

پیش‌خوان

نظری بر دوره ۵ جلدی خاطرات آیت‌الله محمدمحمدی ری شهری

«خاطر‌ها»

به‌منابه اثری مستند و ماندگار

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، مجموعه‌ای پنج جلدی است که خاطرات زنده یاد آیت‌الله حاج شیخ محمد محمدی ری شهری را در خود دارد. بی‌تردید این کتاب در فرآیند

تاریخ‌نگاری انقلاب و نظام اسلامی جایگاهی ویژه خواهد داشت، چه اینکه توسط یکی از مطلع‌ترین مقامات آن به نگارش در آمده است. از سوی دیگر مستند به متون و اسناد بودن، امری است که این کتاب را از خاطره نگاشت‌های مشابه متفاوت و ارزش آن را افزون ساخته است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ناشر این پنج جلد، در تارنمای خویش و برای معرفی این مجموعه به نکات ذیل اشارت برده است:

«خاطرات آیت‌الله محمدی‌ری‌شهری نخستین رئیس دادگاه انقلاب ارتش و نخستین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، یکی از منابع دست اول در تدوین تاریخ نهضت اسلامی است. ری‌شهری به واسطه حضور در مهم‌ترین مسئولیت‌های قضایی و امنیتی و همچنین دو دهه سرپرستی حجاج، ناگفته‌های فراوانی دارد. تکیه بر اسناد رسمی منتشر شده و استناد روایت‌ها به مطبوعات و مکتوبات، بر غنای خاطرات افزوده است. این مجموعه پنج جلدی، یک دوره ۳۰ ساله تاریخی پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با تمرکز بر دهه ۶۰ دربر می‌گیرد. راوی خاطره‌ها در روایت‌های خود، بیشتر به دیده‌ها می‌پردازد تا شنیده‌ها و در تلاشی مطلوب، در صدد مستندسازی اولین مسأله‌های عینی است. ری‌شهری در جلد اول خاطرات خود، به روایت زندگی، تحصیلات و حوادث نهضت اسلامی می‌پردازد و پس از آن به طور مسسوط، به حوادث سال‌های اولیه انقلاب با تمرکز بر کودتای نقاب، توطئه قطب‌زاده و خاطراتی



زنده یاد آیت‌الله محمد محمدی ری شهری

در واپسین سالیان حیات

پیرامون مسئله شریعتمداری می‌پردازد. جلد دوم خاطره‌ها درباره نفوذ حزب توده، ضربه نیروهای امنیتی به مخفی‌ترین حزب تاریخی و رسیدگی قضایی به پرونده‌های آنهاست. ری‌شهری که خود قاضی دادگاه بوده، خاطرات را به کیفرخواست و دادغی‌های متهمان پرونده مستند کرده، تا پرونده کاملی از خیانت‌های حزب توده در پیش‌روی مخاطب قرار گیرد. روایت تأسیس وزارت اطلاعات و مقابله با شبکه‌های جاسوسی و تروریستی در دهه ۶۰ را می‌توان در هر منبعی یافت، اما جلد سوم خاطرات ری‌شهری به خوبی به این مهم پرداخته است. کشف شبکه‌های جاسوسان امریکایی در ایران، خنثی‌سازی عملیات‌های انفجاری منافقین و ضربه به گروهک‌های چپ، از دیگر عنوان‌ین این مجلد است. همچنین ری‌شهری در بحثی مستقل، به ماجرای تأسیس دادسرای ویژه روحانیت می‌پردازد. شاید راز شهرت خاطرات آیت‌الله ری‌شهری را می‌توان در جلد چهارم خاطره‌ها یافت، جایی که راوی عنوان بررسی بره‌ای حساس از تاریخ رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران را برای آن به کار گرفته است. در واقع جلد چهارم خاطرات او، نخستین روایت مستند و مستدل از پیچ تاریخی نظام جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ محسوب می‌شود که به پرونده سیدمهدی هاشمی، کنش‌ها و واکنش‌های آیت‌الله منتظری و همچنین عزل قائم‌مقام رهبری توسط امام خمینی(ره) پرداخته است. آیت‌الله ری‌شهری پس از یک دهه حضور در مهم‌ترین مسئولیت‌های امنیتی، با آغاز دهه ۷۰ به سرپرستی حجاج و نمایندگی ولی فقیه در سازمان حج منصوب شده و حدود دو دهه، در این منصب فعالیت می‌کند. جلد پنجم خاطرات ری‌شهری، به روایت‌ها و یادمانده‌های او از ۲۰ سال سرپرستی حج می‌پردازد. چالش‌های مسئولان ایرانی در مذاکرات و مجادلات با طرف‌های سعودی و همچنین پیچیدگی‌های فرهنگی، سیاسی و اعتقادی بر برگزاری مناسک حج، از ویژگی‌های بارز مجلد پنجم است که می‌تواند برای تاریخ‌نگاران مفید فایده باشد.»

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۲۷



اسناد ساواک، فرخ‌رو پارسای را چگونه توصیف کرده‌اند؟

فساد عقیده، فساد مدیریت فساد اخلاق و دیگر هیچ!

■ نیما احمدپور

چهره‌سازی از عناصری که در عداد ایوایب جمعی رژیم پهلوی قلمداد می‌شدند، قدمتی به درازی ربع قرن دارد. تفاوتی نیز ندارد که فرد مورد تظہیر امیرعباس هویدا باشد، یا فرخ‌رو پارسای، یا نادر جهانبانی یا شعیبان جعفری! یکی از چهره‌هایی که در این فرآیند بسیار مورد مدیحه‌سرایی قرار می‌گیرد، پار سای وزیر آموزش و پرورش کابینه هویداست. این مقال اما در صدد است تا چهره او را از درِچه پرونده نامبرده در ساواک ببیند. توضیح اینکه سازمان اطلاعات و امنیت شاه در تهیه این گزارشات، تنها در صدد دستیابی به اخبار و آدرس‌های صحیح بوده، انگیزه‌ای برای تخریب وجهه سوژه نداشته، آنها را برای اطلاع عموم منتشر نمی‌کرده و نه‌اینها در صدد دستاو‌یزسازی برای جمهوری اسلامی در نیم قرن بعد هم نبوده است. هم از این روی می‌توان به این اسناد اعتماد کرد و براساس آنها به قضاوت نشست، مگر آنکه دلیلی محکم بر بطلان آنها وجود داشته باشد. اشارت دیگر اینکه مستندات این عقا، پیر دو تارنمای پژوهشگاه تاریخ معاصر ایران و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وجود دارد و این مقال نیز از آنها بهره برده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقمندان را آشفیه و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **یک بهایی می‌رسند وزارت آموزش و پرورش**
در تاریخ‌نگاری‌های رایج درباره فرخ‌رو پارسای، معمولاً کار کرد وی در دوره پیش از وزارت، چندان محلی از اعراب ندارد، جز اینکه گفته شود: نامبرده متجدد بوده، دنبال حق‌رای‌زنان بوده الخ القالی که در تاریخ‌نگاری‌های دانشگاهی، به بسا دیگر نیز می‌توان بست. سخن عمده در این میان اما، در باب کارنامه وی در وزارت آموزش و پرورش، در دوره وزارت نخست وزیری هم کثیثی او، یعنی امیرعباس هویداست. خوشبختانه در این باره تحقیقات مفیدی در دسترس است که می‌تواند بر ابعاد موضوع، انور تاباند. به عنوان نمونه سیده رضیه حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این قفره می‌نویسد:

«فرخ‌رو بسا بسیاری از مظاهر اسلامی، همچون پوشش چادر مخالف بود. مشهور است که وی یک بار وارد جلسه‌ای گردید که متشکل از مدیران مدارس جامعه تعلیمات اسلامی بود و وقتی برخی از زنان را می‌پوش چادر مشاهده کرد، در ابتدا با عصبانیت برپسید. خانم‌ها چه کاره هستند؟... و وقتی به او پاسخ داده شد: مدیر هستند، پرسید؟ کدام یک از آنها لیسانسه و کدام یک دیپلم می‌باشند؟ و زمانی که شنید دو نفر لیسانس و بقیه دیپلم هستند، گفت: این چه وضعی است، چرا شما چادر دارید؟ اسلام هرگز نگفته است با چنین وضعی باشید، اینها خرافات است، باید خرافات ریشه‌کن شود... اقدامات فرخ‌رو در حالی صورت می‌گرفت که اتهاماتی مبنی بر بهایی بودن به او وارد شده بود و برخی با ارائه اسناد و شواهدی مدعی بودند، فرخ‌رو بهایی است. فرخ‌رو خود منکر این موضوع بود و حتی با برخی از اقدامات نامیاش همچون برپایی جشن نیمه‌شعبان، در صدد بود این اتهام را از خود دور کند، اما در همان سال‌ها اعلامیه‌هایی از سوی گروه‌ها و محافل مختلف منتشر شد که بر بهایی بودن او تأکید داشت. البته تا جایی که برای ساواکی‌ها امکان داشت، تلاش می‌کر تا از توزیع آن اعلامیه‌ها جلوگیری کنند،



■ **بر اساس اسناد ساواک، فساد اقتصادی در زندگی کاری فرخ‌رو پارسای، رد پاهای آشکار و قابل ردی داشته است. علاوه بر این آنچه سازمان امنیت توانسته در عملکرد نامبرده احرار نماید، نشان می‌دهد که خانم وزیر در گرفتن رشوه و زیرمیزی نیز خوش دست بوده و توانسته است از این راه، خود و خانواده‌اش را به مال و منال فراوانی برساند. از سوی دیگر گرایشات غیر اخلاقی نامبرده نیز سهمی در پرونده وی دارد**

اما واقعیت از محافل و اسناد مختلف به بیرون درز می‌کرد، یکی از شواهدی که از آن به عنوان بهایی بودن فرخ‌رو یاد شده است، مراسم عقد برادرزاده او با فرزند تیسسار صنیعی وزیر سابق جنگ بود که در منزل برادر پارسا که قاضی دادگستری بود، برگزار شد. به گزارش ساواک در این مراسم مهندس روحانی وزیر کشاورزی و عده‌ای دیگر از پیروان مسلک بهایی حضور داشته‌اند. خانم پارسا و تیسسار شیرین‌سخن نیز در این مجلس بوده‌اند. مشهور است در این مجلس خطبه عقد که معمولاً از طرف یک نفر روحانی باید خوانده شود، انجام نگرفت و طبق آداب و رسوم بهایی‌ها انجام شد. از این‌رو برخی منتقدند چون تیسسار صنیعی از بهایی‌ها است مشهور ایران است، از دواج فرزند وی با خانواده پارسا نشان می‌دهد که این خانواده نیز جزو گروه بهایی‌ها به‌شمار می‌روند...»

■ **هویدا از این‌زن چه دیده‌که او را رها نمی‌کند؟**

سوءمدیریت فرخ‌رو پارسای، از جمله نکاتی بود که بارها از سوی عناصر و نهادهای وابسته به رژیم گذشته مورد انتقاد قرار گرفت. تا جایی که فرهنگیان در برخی محافل، از دوره ریاست وی بر آموزش و پرورش، به عنوان یکی از سیاه‌ترین ادوار نام می‌بردند؛ در مقالی

■ **فرهنگیان دانشگاهی و روشنفکران، در اظهاراتی مملطن بار عنوان می‌کنند: در مجلس سنا به طور کلی اکثریت کامل سناتور‌ها، با خانم وزیر نظر مخالف پیدا کرده‌اند و این مخالفت بیشتر ناشی از این است که برنامه دوره راهنمایی، صحیح پیاده نشده و برای پیاده کردن نظام جدید دبیرستان‌ها در سال آینده، با اینکه پنج سال وقت داشته‌اند، نه کتاب تهیه کرده‌اند و نه معلم و نه دست‌آخمان و آثار سوء این سیاست چنان خواهد شد که دانش آموزان دوره دبیرستانی در سال‌های آینده که متوجه نبسودن کتاب و معلم او! و وسایل برای تحصیل خود می‌شوند، کم‌کم راه دانشجویان دانشگاه را انتخاب کرده، تشنجات ناشگاه را به محیط دبیرستان می‌کشاند... در کنار این اعتراضات، آمار و نتایج به دست آمده از فعالیت‌های آموزش و پرورش در دوران وزارت فرخ‌رو پارسای، مؤید این امر است که با وجود ادعاهای حکومت پهلوی مبنی بر تغییر در ساختار این وزارتخانه، رویکرد مثبتی در آن به وجود نیامده است. آمار نشان می‌دهد که بسیاری از جوانان در این دوران، هر گز به مدرسه راه نیافته یا با کمبود مدارس راهنمایی و نبود امکانات مناسب، قبل از سن بلوغ مدرسه را ترک کردند. به طور مثال در آمار به دست آمده در سال ۱۳۵۱ ش، هنوز ۲۵ درصد از کودکان سنین بین هفت تا ۱۳ ساله، از نعمت تحصیل محروم بودند. فرخ‌رو پارسای پس از هفت سال وزارت آموزش و پرورش در کابینه امیرعباس هویدا، توانست ضربه‌های مهلکی را به آموزش و پرورش وارد سازد. سرانجام فشار افکار عمومی باعث شد، رژیم شاه به برکناری او تن دهد، لذا در سال ۱۳۵۳ش از پست وزارت بر کنار شد.»**

■ **خانم وزیر، در قامت یک رشوه گیر تمام!**

براساس اسناد ساواک، فساد اقتصادی در زندگی کاری فرخ‌رو پارسای، رد پاهای آشکار و قابل ردی داشته است. علاوه بر این آنچه سازمان امنیت توانسته به عنوان بخشی از عملکرد نامبرده در این حوزه احرار نماید، نشان می‌دهد که خانم وزیر در گرفتن رشوه و زیرمیزی نیز خوش دست بوده و توانسته است از این

■ **درد فرخ‌رو پارسای در مراسم و تالیفات پیشاهنگی**
سازمان اطلاعات و امنیت شاه در تهیه گزارشات خویش در باره فرخ‌رو پارسای و البته سایر کار گزاران حکومت پهلوی، تنها در صدد دستیابی به اخبار و آدرس‌های صحیح بوده، انگیزه‌ای برای تخریب وجهه سوژه نداشته، آنها را برای اطلاع عموم منتشر نمی‌کرده و نه‌اینها در صدد دستاو‌یزسازی برای جمهوری اسلامی در نیم قرن بعد هم نبوده است. هم از این‌روی می‌توان به این اسناد اعتماد کرد و براساس آنها به قضاوت نشست و براساس اینها به قضاوت نشست

راه، خود و خانواده‌اش را به مال و منال فراوانی برساند. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی طی مقالی و با استناد به اسناد ساواک، در این باره بیلاتی به دست داده است:

«در گزارش ساواک در ارتباط با ادله فساد مالی فرخ‌رو پارسای می‌خوانیم: اعمال تبعیض، انتصاب و حمایت از افرادی که در جامعه فرهنگی حسن شهرت ندارند، تغییر وضع مالی محسوس خود مشارالیها و وابستگی وی و نیز قرآن و شایعات بسیار زیادی که در این مورد وجود دارد، موجب گردید که شخصیت و صحت عمل وزیر، مورد تردید قرار گیرد. موارد زیر نمونه‌هایی از این امر است:

۱- فرهنگستانی که وزیر آموزش و پرورش راز از نزدیک می‌شناسند، اظهار می‌دارند که مشارالیها تا حدود ۱۰ سال پیش، از نظر مایملک فردی کاملاً عادی بوده و حال آن که در حال حاضر وضع مالی او و خانواده‌اش، به خصوص از لحاظ وسایل لوکس به هیچ‌وجه قابل مقایسه نبوده و با احتساب اینکه حقوق ماهیانه وزیر حدود ۱۵۰ هزار ریال است، به فرض اینکه از همان ۱۰ سال پیش تاکنون تمام حقوق خود را ذخیره می‌کرد، شاید نمی‌توانست قسمتی از آنچه را که امروز دارد، تهیه نماید. تغییر دارایی وزیر آموزش و پرورش و ستگان نزدیک او و رسیدن به موقعیت کنونی، تعارفات و کادوهایی که از افراد مختلف اخذ کرده، سوءاستفاده وی از مقام، به شرح زیر مورد استناد قرار گرفته است:

۲- منزل مسکونی مجهز به وسایل لوکس در دروس.

۳- منزل دیگری در دروس (روبه‌روی منزل مسکونی فوق‌الاشاره) که مال الاجاره آن قبلاً ۴۰ هزار ریال بوده است.

۴- یخ‌میوه‌ای در کرج که ارزش بالنسبه قابل توجهی دارد.

۵- حدود ۱۷۰۰ متر از اراضی مهرشهر، به نام مهشید شیرین‌سخن (دختر وزیر که دانشجو و مجرد است).

۶- ویلای رامسر (ننبل سرا) که ارزش نسبتاً قابل توجهی دارد.

۷- منزل دیگری به نام ناهید شیرین‌سخن (دختر دیگر وزیر)، واقع در قلهک به ارزش تقریبی ۶ میلیون ریال).

۸- دو قطعه زمین (هر یک به مساحت ۵۰۰ متر) در تهران پارس که یکی به نام نوید (کوچکترین دختر وزیر که دانش آموز دبیرستان است) و دیگری به نام همسر مشارالیها.

۹- بیش از ۱۰ میلیون ریال جواهرات مختلف که گفته می‌شود قسمت اعظم آن به عنوان کادو در مقابل تعویض پست و مناسبات ویژه که برنامه دوره راهنمایی، صحیح پیاده نشده و برای پیاده کردن نظام جدید دبیرستان‌ها در سال آینده، با اینکه پنج سال وقت داشته‌اند، نه کتاب تهیه کرده‌اند و نه معلم و نه دست‌آخمان و آثار سوء این سیاست چنان خواهد شد که دانش آموزان دوره دبیرستانی در سال‌های آینده که متوجه نبسودن کتاب و معلم او! و وسایل برای تحصیل خود می‌شوند، کم‌کم راه دانشجویان دانشگاه را انتخاب کرده، تشنجات ناشگاه را به محیط دبیرستان می‌کشاند... در کنار این اعتراضات، آمار و نتایج به دست آمده از فعالیت‌های آموزش و پرورش در دوران وزارت فرخ‌رو پارسای، مؤید این امر است که با وجود ادعاهای حکومت پهلوی مبنی بر تغییر در ساختار این وزارتخانه، رویکرد مثبتی در آن به وجود نیامده است. آمار نشان می‌دهد که بسیاری از جوانان در این دوران، هر گز به مدرسه راه نیافته یا با کمبود مدارس راهنمایی و نبود امکانات مناسب، قبل از سن بلوغ مدرسه را ترک کردند. به طور مثال در آمار به دست آمده در سال ۱۳۵۱ ش، هنوز ۲۵ درصد از کودکان سنین بین هفت تا ۱۳ ساله، از نعمت تحصیل محروم بودند. فرخ‌رو پارسای پس از هفت سال وزارت آموزش و پرورش در کابینه امیرعباس هویدا، توانست ضربه‌های مهلکی را به آموزش و پرورش وارد سازد. سرانجام فشار افکار عمومی باعث شد، رژیم شاه به برکناری او تن دهد، لذا در سال ۱۳۵۳ش از پست وزارت بر کنار شد.»

■ **میز عاچ سالن پذیرایی منزل وزیر که از فروری کارمند وزارت آموزش و پرورش (مأمور خدمت در وزارت امور خارجه که در امارت خلیج فارس انجام وظیفه می‌نماید) اخذ شده است.**
۱۴- دو تخته قالی نفیس کار کرمان که گفته می‌شود از حسین کارآموز (مدیر کل سپاه دانش پسران) در مقابل گرفتن شغل اخذ شده است... در ابتدای گزارش ساواک نیز قید شده اینها فقط نمونه‌هایی از فساد مالی پارسای می‌باشند...»

■ **قطع ۷۰ هزار درخت توسط وزیر بهایی**
از جمله اقدامات اعجاب برانگیز فرخ‌رو پارسای - که در نوع خود نوعی یژه خوری تمام محسوب می‌شود- قطع حدود ۷۰ هزار درخت در منطقه ورامین است! ساواک آن را در گزارشش پی آمده است: «بازتاب داده و پژوهشگاه تاریخ معاصر ایران، این سندر را بر تارنمای خویش قرار داده است:

روزنامه جوان | شماره ۶۷۵۹

«در مورخه ۱۳۵۲/۰۹/۱۷، ساواک گزارش داد: مقامات مهمم هر کاری مرتکب شسوند و خلافی انجام دهند، با هیچ قانونی جلوی آنها را نمی‌توان گرفت و قانون مال افراد ضعیف است. چنانچه خلاف کوچکي بکنند، آنها را مجازات و سرکوب می‌کنند، درحالی‌که وزیر آموزش و پرورش (فرخ‌رو پارسای) و آقای باتمانقلیچ، در حدود ۷۰ هزار درخت را در ورامین قطع کرده‌اند و همه مردم از این موضوع اطلاع دارند. چرا قانون برای آنان هیچ‌گونه مجازاتی قائل نمی‌شود؟...»

■ **منشی «خوشگل» و «کارچاق کن» خانم وزیر!**

در باب گرایشات و مفاسد اخلاقی پارسای، معمولاً کمتر سخن رفته است. علاوه بر این تذکره نویسان سلطنت طلب نیز، سعی کرده‌اند تا در این باره تم پس ندهند! با این همه در پرونده نامبرده در ساواک، مواردی از قبیل اسناد ذیل نیز هست که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در مقالی به برخی از آنها اشاره کرده است:

«در بیشتر گزارش‌های ساواک مبنی بر تخلفات مالی، اختلاسی‌ها و سایر انحرافات اخلاقی و عملکرد سوء فرخ‌رو پارسای، به کرات نام ناصر موقیان و مجید سرتیبی آمده است. نفوذ و سلوک مجید سرتیبی در آموزش و پرورش، به گونه‌ای بوده که شایعاتی را هم دامن می‌زد؛ است به عنوان نمونه در سند ساواک در مورخه ۹ آذر ۱۳۴۸ می‌خوانیم: در مورد روابط خاص خانم دکتر پارسای وزیر آموزش و پرورش با مجید سرتیبی رئیس دفترش، شایعاتی وجود دارد و این شایعات به خصوص با توجه به جوان بودن سرتیبی و معیت همیشگی او با خانم پارسای حدت و شدت می‌یابد. افرادی که شایعه روابط خاص خانم وزیر را با رئیس دفترش بازگو می‌کنند، می‌گویند: خانم وزیر حتی در سفر انگلستان نیز نخواستہ دور از رئیس دفتر زیبایش باشد و او را با خود به خارج نیز برده است. عجیب اینکه حتی برخی از افراد وابسته به حزب ایران نوین هم، شایعه مزبور را بازگو می‌کنند و باطنین و نیش و کنایه، از روابط این دو هم‌مسلك حزبی خویش، یعنی خانم پارسا و سرتیبی صحبت می‌نمایند...»

ساواک در سندی دیگر به تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۴۹ نیز از این مقوله سخن به میان آورده است: «در این روزها به شدت شایع است که خانم پارسا تغییر خواهد کرد و می‌گویند چون کثافت‌کاری‌ها و انتصابات نامناسب به خانم پارسا انجام داده، در تاریخ فرهنگ مملکت بی سابقه است، لذا حتماً به زودی تغییر خواهد کرد... با نفوذی که سرتیبی روی خانم وزیر دارد، این انتصابات و نقل و انتقالات نظر سرتیبی انجام می‌گیرد و برضایی عمیقی در صنف فرهنگیان به وجود آورده است، لذا یک نسخه در پرونده سرتیبی و با سوابق اقدام فرمایند...». در اسناد دیگری که بر تارنمای فوق آمده وجود دارد، تصریح شده است که رئیس دفتر خوشگل خانم وزیر با استظهار به حمایت او، به اقداماتی فراوان در حوزه آموزش و پرورش و بیرون از آن دست زده است.

■ **مسئمت کش شهیدان بهشتی و باهنر در تألیف کتسب درسی دینی، پاسخ به یک پرسش**

موضوع همکاری شهیدان آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد باهنر با وزارت آموزش و پرورش در دوره مدیریت پارسای و عهده‌دار شدن تألیف کتب درسی دینی، از جمله نکاتی است که عناصر و جرح‌بانیاتی گوناگون، درباره آن سخنان فراوان گفته و تحلیل‌های متنوعی ارائه کرده‌اند. در ففهم درست این مقوله، باید به دو نکته اشاره کرد:

یک: فرخ‌رو پارسای در دوران مسئولیت خود، علاوه بر استظهار به بهایی بودن، چادر، دروس عربی و کمیسیون رسیدگی به ارزش تحصیلی طلاب را موقوف کرد؛ این اقدام اعتراض علما و مجامع دینی را در پی داشت و حتی به گفته حسین فردوست، آخوند‌های درباری نیز آن را برنمایند؛ اما پارسای در عقب‌نشینی و برای تعدیل فضای این مخالفت، تصمیم گرفت تا تدوین کتب درسی دینی مدارس را به شخصیت‌های فوق آمده واگذارد. او در فضای ذهنی خویش از پیامدهای این اقدام غافل بود. نه او و نه در مرتبه بالاتر شاه و ساواک، اگر تأثیر این تصمیم را بر ذهن جامعه‌ای که رو به انقلابی گرایشات دینی می‌رفت، می‌دانستند، نه تنها با این اقدام موافقت نمی‌کردند، بلکه حتماً از آن جلوگیری می‌کردند.

دو: بر خلاف شاه و کارگزاران دولت او که از فضای حاکم بر جامعه غافل بودند، چهره‌هایی چون شهیدان بهشتی و باهنر در متن مردم حضور داشتند و از گرایشات فرآینده جوان به معارف دینی اطلاع داشتند. آنان از امکانی که وزارت آموزش و پرورش، از سر استیصال در برابر اعتراضات مردمی در اختیار آنان قرار داده بود، به نیکی بهره گرفتند

و حجم گسترده‌ای از معارف دینی را به کودکان و جوانان آموختند. ایشان هرگز اعتقاد نداشتند که آن نهاد، آگاهانه و از سر دقت به جوانب امر این امکان را در اختیار ایشان قرار داده است، بل چنین می‌اندیشیدند که این تصمیم، تنها برای سکوت یا فریب جامعه مذهبی ایران اتخاذ شده است. امری که نظایر آن را در دیگر تصمیمات رژیم شاه نیز می‌دید.

■ **و کلام آخر**

در باب برخی مطالب فوق آمده، برخی به قسم‌های فرخ‌رو پارسای در دادگاه انقلاب اسلامی، برای نفی اتهامات خویش اشارت می‌برند، در حالی که مشخص نیست قسم یک بهایی به قرآن، چگونه می‌تواند حقیقتی را روشن یا امری مستند را ابطال نماید؟